

کلید زندگی  
خط به یکشنبه آخر هفته مکاشفه  
مکاشفه یوحنا 18/9



من یوحنا، برادر شما، که در اتحاد با عیسی در رنج و در پادشاهی و در بردباری شریک شما هستم، به خاطر موعظه ٔ کلام خدا و شهادت به عیسی در جزیره‌ای به نام پاتموس مقیم بودم 10. آن روز، روز خداوند بود و روح القدس مرا فراگرفت، در آن حال، از پشت سر خود صدای بلندی مثل صدای شیپور شنیدم 11 که به من گفت: «آنچه را که می‌بینی در کتابی بنویس و به این هفت کلیسا، یعنی کلیساهای: افسس، اسمیرنا، پرغامس، طیاتیرا، سارد، فیلادلفیا، و لائودیکیه بفرست.»

12 برگشتم تا ببینم کیست که با من سخن می‌گوید و وقتی برگشتم، هفت چراغی زربین دیدم 13. در میان چراغی‌ها کسی شبیه انسان بود که ردای بلندی بر تن داشت و زره زربینی به دور سینه‌اش بود 14. موهای او مثل پشم یا برف سفید بود و چشمانش مثل آتش می‌درخشید 15. پاهایش مثل برنزی که در کوره گذاخته و سپس شفاف شده باشد، درخشان بود و صدایش مانند صدای آبشار 16. او در دست راست خود، هفت ستاره داشت و از دهانش شمشیری تیز و دو دم بیرون می‌آمد و چهره‌اش مانند خورشید نیمروز می‌درخشید 17. وقتی او را دیدم مثل مرده پیش پای او افتادم، اما او دست راست خود را بر من گذاشت و گفت: «نترس، من اول و آخر هستم 18. من زنده بودم و مردم و اکنون تا به ابد زنده هستم و کلیدهای مرگ و جهان مردگان را در دست دارم.

در طی هفته ی گذشته همه شما به اخبار ایران توجه کردید. علیرغم همه چیز از تکنولوژی مدرن، بسیاری از چیزها در ایران هنوز مشخص نیست. چه کسی واقعاً تظاهرات را آغاز کرد؟ رژیم ایران مستقیماً اخبار را منتشر می‌کند که قدرت های خارجی مسئول آن هستند. در میان مردم نیز دلایل مختلفی وجود دارد که به قیام منجر شده است. علاوه بر این، بسیاری دقیقاً نمیدانند که در حال حاضر از پیام ها مسود شده یا مانع می شوند، بنابراین که در حال حاضر در ایران اتفاق می افتد. اما شگفت انگیز است در موقع که ناگهان یک پیام قابل اعتماد در یافت کنید، که وضوح به ارمان می آورد.

این وضعیت مشابه، اولین کلیسای عیسی مسیح بود. Domitian امپراتور در کله جهان بود و مسیحیان را آزار و اذیت کرد زیرا آنها نمی خواستند او را پرستش کنند. در شهرهای بزرگ، معابد بزرگ به امپراطور اختصاص داده شده و در مقابل معبد، سربازان بودند که از ورود به معبد محافظت می کردند. همان سربازان ها کلید زندگی نامیده می شدند. چون که آنها کلید معبد را در دست خود نگه داشتند. سربازان با دولت، جهت کل جامعه تعیین شده است. این گروه دولت است که چگونگی دریافت اطلاعات، در چه زمان و چگونه بودنش را در کل جامعه تعیین می کند. جامعه مسیحی در آن زمان در چنین وضعیت کوچک و ناتوان بود. یوحنا رئیس کلیسا به جزیره Patmos تبعید شد و مسیحیان مجبور بودند در زیر زمین پنهان شوند. به خصوص در یکشنبه این وضعیت از نظر احساسی بد بود. چون در یک شنبه جماعت کلیسا برای پرستش یکدیگر را ملاقات می کردند. در چنین یکشنبه ای یوحنا به شدت از امواجی که به سوی این سرزمین آمده بود خود را مأیوس دید. او نمی توانست با مردم جمعه صحبت کند و کلام خدا را به آنها بگوید. یوحنا غمگین بود اما توسط دعا هنوز با کلیسا همراه بود. و در طول چنین دعایی، خدا چیزی به او نشان داد که تا آن زمان نمی دانست. آسمان باز بود و او عیسی را آنجا دید. آنچه که یوحنا دید، یک جمع بندی کامل وحی، از نامه مکاشفه یوحنا است. از آنجا که عیسی در تخت نشسته است و در همان زمان تمام توجه خود را به کلیسا متمرکز کرده است! بله، عیسی کسی است که در تخت سلطنت قرار می گیرد. نه یک Domitian، و نه حتی یک رژیم ملاً ها. همچنین هیچ رژیم دیگری وجود نداشته و همچنان چیزی حال وجود دارد. در کل جهان قدرت در بین کشورها دیگر هرگز حکم نخواهد کرد. یک قدرت جهانی همیشه جایگزین دیگری شده است. قدرت یک رژیم دیر یا زود کاهش خواهد یافت.

اما در مورد ملکوت خدا کاملا متفاوت است .. همه چیز در مورد قدرت به پایان رسید و پرونده‌ی آن بسته شده است.. یوحنا می بیند که عیسی مسیح بر تخت سلطنت می نشیند. عیسی که به طرز وحشیانه کشته شد بدنش در قبر گذاشته قرار گرفت. او اکنون روی قدرت راز کل بهشت و از کل دنیا در دستانش دارد.

اما یوحنا چیزی دیگر را دید. عیسی در کنار یک لوستر با هفت شاخه ای ایستاده بود. و عیسی لباس بالاترین کاهن را پوشیده است. همچنین عیسی از این چراغ ها مراقبت می کند و آنها را با روغن ذخیره می کند. این صحنه در مورد عیسی با هفت چراغ، جم بندی از کل مکاشفه یوحنا است. هفت چراغ یک علامت از هفت کلیسا قدیمی بود. اما نه تنها یک علامت از کلیسای گذاشته، بلکه به معانی کل کلیسا نیز است. .معنی این تصویر به شرح زیر است : تسلی برای کل کلیسا. یوحنا از کلیسا جدا شده بود و نمی توانست در میان برادران و خواهران ملاقات کند. همچنین نمی توانست با آنها مراسم شام آخر را انجام بدهد. و سپس او دید که عیسی از کلیسای خودش مراقبت می کند. ببینید که خود عیسی بسیار حضور دارد. او که نور جهان است نور را برای کلیسا فراهم می کند. این نیز بدان معنی است که عیسی به فردی بسیار نزدیکتر است، که او ایمان دارد. عیسی به هر فردی است که به او ایمان دارد. عیسی به هر فرد قدرت و راحتی می دهد. رسولان و همچنین کشیشها خواهند آمد و دوباره خواهند رفت .. اما عیسی همیشه با کلیسایش باقی می ماند. آنچه که یونان دید، همان چیزی است که عیسی برای مدت طولانی گفت: تمام قدرت در آسمان و بر زمین به من داده شده است. ... و بدانید که من هر روزه تا آخر زمان با شما هستم». در جهان معاصر یوحنا، تاریکی بود، مسیحیان را در اتاق کوچک محبوس می کردند که بسیاری از آنها می مردند. ممکن بود بعضی از آنها امیدشان را از دست داده و بگویند: به چه چیزی تبدیل خواهیم شد؟ و چه به حال ما خواهد آمد و چرا عیسی از ما مراقبت نمی کند؟ چرا خدا اجازه می دهد شرو بدی بر ما برسد؟ ممکن است که ما امروز در مورد زندگی خود سوالات مشابه داشته باشیم. چرا خدا اجازه نمی دهد که تظاهرکنندگان در ایران رژیم عادلانه ستیز را شکست دهند؟ چرا ما بیشتر و بیشتر می بینیم که مردم بی گناه در خیابان کشته می شوند؟ همچنین ممکن است که ما خودمان در چیزی در مسایل شخصی بدی گیر کرده و نمی دانم چگونه از آن بدی آزاد بشویم .. ممکن است که ما در بحران هستیم و نمی دانیم چگونه با آن برخورد کنیم. و سپس خدا به ما می گوید ... من همیشه با شما هستم ! شما آن را نمی بینید، اما این است که لامپ چراغ شما را با روغن پر می کنم. من همچنان به شما ایمان و قدرت می دهم که هنوز می توانید باور کنید. و هنوز قادر به دعا هستید.

و این عیسی است که تنها روی تخت شاهی نشسته نمی ماند. اما در جهان کار کند. هر روز، چشم های عیسی میدرخشند از عشق، مشارکت و شفقت به وضعیت ما ننگه می کند. عیسی فقط روی تخت نشسته نکند. و همانطور که بسیاری از بیماری ها را در زندگی زمینی خودش لمس کرده بود، او شخصا دست خود را به یونان لمس می کند و کلمات را به او می گوید :

**ترس، من اول و آخر هستم 18. من زنده بودم و مردم و اکنون تا به ابد زنده هستم و کلیدهای مرگ و جهان مردگان را در دست دارم.**

عیسی تنها کسی است که مرده بود و دوباره زنده شده است. او تنها کسی است که کلید مرگ و زندگی دارد. در آن زمان یوحنا، نگهبانان معبد Domitian کلید به نام کلید زنده داشتند. در پشت آن پادشاه قدرت دولت قرار داشت. اما حتی این افراد کلید مرده و زنده را نداشتند. به همین ترتیب، هیچ کس دیگری که تا به حال زندگی کرده و هنوز زنده خواهد ماند. هر فرد یک روز به دار مرگ میرسد. این دار بسته خواهد بود. حتی اگر آیت الله شاهرودی در حال مرگ به هانوفر رفت، او متوجه کرد که کلید زندگی ندارد. همانطور که هر فردی یک روز به این درب مرگ که بسته است خواهد آمد. و تنها کسی که می تواند از طریق آن عبور کند، عیسی است که قبلا از آنجا گذر کرده است. و کلید زندگی و مرگ دارد. نه فقط برای خودت، بلکه برای ما! او می خواهد به ما زندگی بدهد. چه مکاشفه فوق العاده یوحنا به ما داده است؟ واقعا شگفت انگیز این کلمات عیسی مسیح است که میتواند ما را در جای تاریکی روشن بسازد. همیشه می توانم ان کلامه عیسی نگاه کنم. کلمات عیسی به من اعمال می شود. حتی اگر احساس بدی تجربه میکنم. همانطور که من دقیقاً در توئیتر، فیس بوک نمایش مشخصات و تلگرام از اطلاعات ایران مشاهده می کنم، به کلمه عیسی نگاه می کنم و از او کلمات واضح یاد می گیرم: او کسی است که بر تخت نشسته پادشاه است. او کسی است که با ما است. و او است که کلید زندگی را در دست خود دارد. آمین.